

تاریخ شفاهی ایثار و شهادت به روایت بیگانگان

پری هاشمی^۱

چکیده

آنچه در بستر زمان واقع می‌شود واقع می‌نامند، چه بخواهیم چه نخواهیم واقعه در تاریخ می‌ماند و آیندگان از آن مطلع می‌شوند و نگرانی از بین رفتن آثار وقایع بیهوده است؛ اما نکته‌ی مورد توجه و تأکید حق‌جویان این است که جلوه‌های ایثار و شهادت و فداکاری انسان‌های والا، در عصر حاضر زیباتر و نمایان‌تر ارائه شود و برای فردای این مرز و بوم کارنامه‌ی درخشان رشادت‌ها تدوین گردد. به ناظران جلوه‌های ایثار و شهادت، به‌ویژه بیگانگان توجه کنیم و تاریخ شفاهی جلوه‌های ایثار و شهادت را از زبان بیگانگان دریافت، حفظ، ضبط و ثبت سازیم. راه‌های پیشنهادی ارائه‌شده، نمونه‌های قابل توجه است. باشد تا علاقه‌مندان راه عزت اسلامی و شرف انسانی، این مهم را تأیید کنند و همت عالی خویش را صرف این حقیقت سازند.

کلیدواژه‌ها: آگاهی تاریخی، ماندگاری رویدادها، روایت، تهدیدها در تاریخ شفاهی

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۵۷ به پیروزی رسید و نظام والایی مستقر گردید و نقطه‌ی عطف یک مسیر مبارزه و دوره‌ی تاریخی در نیمه‌ی زمستان بر صحنه‌ی روزگار منقش گشت. ریشه‌ی ملموس واقعه‌ی عظیم بهمن ۵۷ به وقایع سال ۴۲ سرآغاز مبارزه با نظام طاغوتی شاهنشاهی به همت علمای عظام به رهبری آیت‌الله خمینی (ره) برمی‌گردد، از آن زمان نهال انقلاب در ضمیر دل‌ها کاشته شد و رشد کرد.

دل‌های پاک و خداجو و حقیقت‌طلب با شنیدن صدای حق‌طلبی به سوی حق‌طلبان، جلب و ضمیر آگاه مردم به تدریج به سمت آزادی‌خواهی، جذب و با رهروان اندک همراه شدند و یک به یک در کنار این بیرق تجمع کردند و دل به سخنان آن پیر حق‌خواه سپردند و از آن روز تاکنون این نهال آزادی‌خواهی و اسلام‌طلبی رشد کرد و شجره‌ی طیبه‌ی نظام اسلامی در صحنه‌ی جهانی به نام حق و حقیقت استقرار یافت.

نهال حق‌خواهی از سال ۴۲ با فداکاری و ایثار و شهادت و خون و شکنجه رشد کرد. شاهدان صحنه‌های فداکاری، ایثار و شهادت و عاملان فداکاری و ایثارگری در صحنه‌ی مبارزه از آن روزگاران تا امروز، بهترین تاریخ این عظمت، شکوه و سربلندی ملت ایران هستند.

^۱ - کارشناس مسئول اداره جمع‌آوری و تنظیم آثار در استانهای خوزستان و البرز و هم اکنون در حوزه معاونت پژوهشی و ارتباطات فرهنگی تهران، کارشناس علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز

هنوز هستند فداکاران و ایثارگران صحنه‌های روزهای آغازین شکل‌گیری این انقلاب شکوهمند که باید گفته‌هایشان ضبط و ثبت شود. حاضران در صحنه‌ها بهترین گواه و گوینده و مدرک ایثار و فداکاری هستند، ولی باید دانست که سن این شاهدان و فداکاران با مرور زمان بالا رفته و در معرض تهدید کسالت و موت قرار گرفته‌اند.

چرا باید بدانیم؟

اگر در طی تاریخ اتفاقات گسترده‌ای رخ داده و برای انسان‌ها حوادثی پیش آمده که در رفتار و گفتار و زندگی آنها اثر گذاشته و برای بعضی دیگر شادی و شور آفریده و بعضی را غمگین و غصه‌دار ساخته، تلخ و شیرین، همه گذشته و رفته است؛ دیگر چرا باید بدانیم؟ چرا انسان‌های دوره‌های بعد برای دانستن گذشته‌ی خود مشتاق‌اند و با تلاش و زحمت چگونگی حوادث پیشین خود را می‌یابند.

ریشه‌ی این دانستن در جوهره‌ی انسان نهفته است، همان‌طور که رفع نیاز جسم و دوری جستن از گزند و حفظ جان از ضمیر ناخودآگاه بشر سرچشمه می‌گیرد. دانستن، نیاز روح و روان و اندیشیدن به دیروز و فردا لازمه‌ی حیات غیرمادی انسان‌هاست.

تقاضا برای دانستن امری درونی و انگیزه‌ای ذاتی و غریزه‌ی عمیق انسانی است. شاهد و دلیل این ادعا، این همه کتاب و نوشته و تلاش برای استخراج حوادث و وقایع گذشتگان است. هم کندوکاو و هم تلاش برای تدوین یافته‌های تاریخی و هم خواهان آنها و مطالعه‌کنندگان و مشتری این آثار در سراسر عرصه‌ی گیتی در طی تاریخ و جغرافیا بهترین گواه و عالی‌ترین مدرک برای اثبات این ادعاست.

انگیزه‌ی دانستن منحصر به دانستن حوادث گذشته نیست، بلکه در عصر حاضر نیز انسان‌ها در پی دانستن مسائل دور و بر خویش هستند. برای دانستن مسائل اطراف خود تلاش می‌کنند و مدت زمان دانستن حوادث از سال و ماه و روز و ساعت عبور کرده و اینک به یمن وسایل و امکانات جدید ارتباطی، در لحظه از وقایع مطلع می‌شوند. وقایعی که در شهر و دیار و کشور و بلکه در جهان به وقوع می‌پیوندد.

«پس چرا باید بدانیم به فطرت و ذات انسان برمی‌گردد و این امر یک انتخاب نیست.»

چه باید بدانیم؟

انسان جست‌وجوگر در پی یافتن و دانستن چیست؟ چرا تلاش می‌کند تا بیشتر بداند؟ چرا در تکاپوست تا دقیق‌تر بیابد؟ چرا به خود زحمت می‌دهد تا عمق حوادث را دریابد؟ این انگیزه ریشه در جان و روان آدمی دارد، هرچه فراغت از مسائل یومیه و تأمین معاش جاریه بیشتر شود، گویی این انگیزه فزون‌تر خودنمایی می‌کند. فراغت و بالاتر از آن احساس فراغت برای انسان یک موهبت الهی است. هرچه انسان از غرایز مادی و جسمانی دورتر شود و به هر مقدار که از جبر تن فاصله بگیرد، فراغت بیشتر خودنمایی می‌کند. ریشه‌ی رشد فکر انسان و شکوفایی اندیشه و حیات خلاقیت در فراغت نهفته است تا آنجایی که می‌گویند خط، نقاشی، موسیقی و ادبیات زاینده‌ی احساس فراغت انسانی است. تلاش برای دانستن

تاریخ و علم به حوادث امروز و دیروز نیز ریشه در احساس فراغت دارد. اگر گوش از شنیدن مسائل اولیه‌ی اطراف و چشم از دیدن مسائل دم دستی محیط پیرامونی خلاصی یابد، چیزهای دوردست را می‌شنود و می‌بیند.

پس آنچه باید بدانیم بستگی به میزان احساس فراغت ما از مسائل یومیه و جاریه دارد و بی‌شک، سن و سال و منطقه‌ی جغرافیایی و پیشینه‌ی تاریخی و علم و آگاهی و صد عنوان دیگر در چه باید بدانیم نقش دارد و سهم می‌برد و تنوع خواستن انسان‌ها به این دلایل متعدد و عناوین گوناگون بستگی دارد. پس چه باید بدانیم در درون انسان‌ها ریشه دارد، اگرچه راه دانستن راه هموار و ساده‌ای نیست، بالاخره این راه هم مانند همه‌ی راه‌های پیش روی بشر با ناهمواری همراه است. همواری و ناهمواری راه را به مثابه‌ی دوستان و غیر دوستان راه محسوب کنید آن وقت خواهید دید برای طی کردن راه دانستن کسانی در کمین نشست‌اند تا خود آن‌گونه که می‌خواهند مسیر را ترسیم و جهت را معین و عصای رونده را بکشانند و طرح و برنامه تنظیم می‌کنند تا آنچه آنها می‌خواهند ما بدانیم و ببینیم و بشنویم. شنیده‌ها زیاد است، اما اگر یک شنیدنی را با صدای رساتر یا یک دیدنی را پیش چشم بیننده زیباتر و دلرباتر ترسیم سازند، طبیعی است که آن شنیدنی و آن دیدنی بیشتر شنیده و بهتر دیده می‌شود.

پس کسانی با انگیزه‌ی نیک و خیرخواهی یا با انگیزه‌ی پلید و شیطانی درصددند تا آنچه آنها می‌خواهند دیده و شنیده شود که اینها سلطه‌گران‌اند. سلطه‌گران راه صاف و ساده‌ی طبیعی را که با فطرت انسان سازگار است به هر دلیل دگرگون می‌سازند و در مسیر طبیعی و صاف و ساده، اعوجاج ایجاد می‌کنند و راه فطرت را با کجی مواجه می‌سازند و فقط اولیا و انبیای الهی از این قاعده‌ی عمومی مستثنا می‌شوند. اینها از تبار دیگرند و جز خیر و صلاح و سعادت بشر چیزی نمی‌خواهند و جز راه راستی و طریق فطری و مشی انسانی را نمایان نمی‌سازند.

«پس باید بدانیم که حوادث تاریخی تأثیرگذار در سرنوشت بستگی دارد و صورت زیبا و جذاب ترسیم جلوه‌گری

مؤثر است.»

حق جویان چه بدانند؟

سلطه‌گران حکومت‌دار و سلطه‌گران فکری در پی آنند تا آنچه را می‌خواهند و آنچه را می‌پسندند، زیبا نمایش دهند تا نظر هر خواننده و بیننده را جلب کنند و تنها حق جویان پیرو راه انبیا در پی نمایش حق و حقیقت و درستی و پاکی و فداکاری هستند. پس بر رهروان حقیقت و حق جویان فرض است تا در پی تلاش برای دانستن حقایق و ارائه‌ی صحیح وقایع، در اندیشه‌ی امروز و فردای دیگران باشند. هم بیندیشند و هم تلاش کنند تا در دنیای پر از هیاهوی ساخته‌شده‌ی سلطه‌گران پنجره‌ی فطرت را باز نگه دارند و چشمان حقیقت‌یاب را تغذیه کنند. افزون‌طلبی سلطه‌گران نتیجه‌ای جز قتل و غارت و ظلم ندارد و این امر واقع برای هر ممیزی قابل تشخیص است و هر فرد رشد یافته‌ای بر خبائث فاجعه‌ی قتل و غارت و ظلم، مَهر باطل می‌زند. اما دریغا که سلطه‌گران نام این فجایع را خدمت به انسان و تابلوی آن را حقوق بشر و بیرق خود را دموکراسی و عوام‌فریبی را اطلاع‌رسانی می‌نامند.

در مقابل این هجمه‌ی بی‌امان در طی تاریخ و نماد بارز آن در عصر حاضر، باید پیروان حق و حقیقت و حق جویان در ارائه‌ی درستی‌ها و پاکی‌ها و فداکاری‌ها منسجم شوند و با اندیشه‌ی صحیح و انتخاب شیوه‌های مطلوب از ویژگی‌های

شایسته‌ی انسانی و خلاصه، از ایثار و شهادت پاسداری کنند و نمود و نماد ایثار و شهادت را، هم در عصر حاضر و هم برای فرداها، به زیبایی هرچه تمام‌تر جلوه‌گر سازند.

پس حق جویان باید بدانند که صرف دانستن آنها از نیکی‌ها کفایت نمی‌کند. باید نیکی‌ها و درستی‌ها را به شایستگی به امروز و فردا ارائه کنند و باید موانع را از جلوی دید بینندگان بردارند تا حقایق دیده شود و صدای حق شنیده شود.

«پس حق جویان چه بدانند به نقطه‌های اوج و فداکاری رهروان راه اولیا و انبیا بستگی دارد.»

چرا آثار وقایع می‌ماند؟

وقایع واقع می‌شود و آثار واقعه می‌ماند. طرف‌های واقعه منافع و مضاری را برای خود متصورند و برای حفظ منافع و دفع مضار خود به انتقال و انعکاس واقعه‌ی واحد می‌پردازند. بنابراین، هر واقعه حداقل به دو گونه‌ی متناسب با منفعت یا ضرر آنان انعکاس می‌یابد و لابد هر طرف واقعه برای اثبات ادعای خود به تبیین منفعت و ضرر در محیطی که خود می‌داند و با زبانی که خود می‌شناسد، می‌پردازد. تفاوت دید ناظران از جهتی در بیان نفع و ضرر واقعه ضامن انعکاس آن و به عبارت دیگر، سبب ثبت در جریده‌ی تاریخ می‌شود. شاید بتوان گفت رمز و راز ماندگاری آثار حوادث همین تفاوت دید و نگرش ناظر واقعه و اصرار به صحت و درستی ترسیم آن از سوی ناظران باشد. اگر ناظران هیچ نقش مادی در واقعه نداشته باشند یا از نتایج آن تاثیری نپذیرند، حداقل به عنوان یک ناظر در صحت ادعای خود اصرار و برای اثبات صحت ادعای خود به شاهد و دلیل متوسل می‌شوند و تا آنجا که از دست و زبانشان برآید برای اثبات ادعای خود تلاش می‌کنند. از این معنا علت ماندگاری وقایع تاریخی معلوم می‌شود و نتیجه‌ی مهم‌تر این است که انسان با کاوش در تاریخ می‌تواند اصل حقیقت وقایع را بیابد و گویی نقل واحد راه بر کشف حقیقت می‌بندد و نقل‌های متفاوت مقدمه‌ی لازم برای دست‌یابی به حقیقت تلقی می‌شود.

«چرا آثار وقایع می‌ماند؟ برای آنکه وقایع طرف‌های متعدد و متنوعی دارد که هم می‌گویند و هم می‌نویسند.»

روایت بیگانگان از واقعه

گفته و شهادت ناظران واقعه که یک طرف ماجرا نباشند یا ناظران غیرمرتبط با طرف‌های حادثه بیشتر و بهتر مورد استناد قرار می‌گیرد. به هر حال، انسان در نقل واقعه نمی‌تواند کلاً از منافع و مضار خود جدا شود و لابد منافع و مضار او در بیان واقعه یا شکل و نحوه‌ی بیان نقش دارد و به میزانی که تحت تأثیر منافع و مضار خود قرار می‌گیرد نقل واقعه را از خلوص دور می‌سازد، ولی اگر ناظری دخلی در نفع و ضرر نتیجه نداشته باشد، سخن و گفته‌ی او بیشتر و بهتر برای کشف حقیقت مورد استناد قرار می‌گیرد.

«پس روایت بیگانگان از واقعه می‌تواند برای مخاطبان اطمینان‌آورتر محسوب شود.»

تهدیدهای تاریخ شفاهی

۱- تاریخ شفاهی با محدودیت قابل توجهی مواجه است. بیننده و شنونده‌ی حوادث و وقایع سند زنده‌ی مطمئنی هستند که می‌توانند با بیان و شهادت خود مستند بودن واقعه را تأیید و ثبت کنند. البته شاهد زنده طبیعتاً با محدودیت زمان و

سن و سال و پیری درگیر است. به هر حال، شاهد حوادث و وقایع سال ۴۲ اگر در هنگام حدوث حادثه در سن رشد و تمیز عرفی باشد، اینک حداقل ۶۰ تا ۶۵ سال سن دارد و اگر امید به زندگی را ۷۰ سال محسوب کنیم، پس فرصت چندانی برای ثبت و ضبط گفته‌های شاهدان باقی نمانده است و باید محدودیت سن را تهدید و عامل محدودکننده محسوب کرد و آفت تاریخ شفاهی را سن و سال و عمر شاهدان وقایع دانست.

۲- تهدید دیگر تاریخ شفاهی این است که شاهدان وقایع عموماً تمایل چشم‌گیری برای بازگویی خاطرات خود ندارند و باید به صد بهانه آنها را به حرف آورد، پس کمبود انگیزه نیز تهدید دیگر تاریخ شفاهی به حساب می‌آید.

۳- تهدید دیگر تاریخ شفاهی دست بردن در حقایق و رویدادهاست. حقایق آن است که اتفاق می‌افتد نه آنچه ما برمی‌گزینیم. اگر انگیزه‌ی ما انگیزه‌ی خیر و صواب و صلاح هم باشد حق دست بردن در آنچه می‌گویند و می‌نویسند، نداریم. آفت تاریخ دور و نزدیک بشر همین به اصطلاح مصلحت‌اندیشی است؛ حال آنکه به شهادت وجدان و به حکم صدق و صفا هیچ مصلحتی بالاتر از امانت‌داری نیست. این گفته‌ها و نوشته‌ها، مانند یک امانت از گوینده و نویسنده است و حفظ امانت، تکلیف الهی و انسانی و بلکه الزام وجدانی است.

گاهی شنیده می‌شود کلمات و اسامی از نوشته‌ها و اسناد حذف یا دگرگون می‌شود؛ اگر چنین شنیده‌هایی صحت داشته باشد، نام این کار چیزی جز خیانت در امانت نیست.

۴- واسطه‌ها در تاریخ شفاهی تهدید محسوب می‌شوند، باید مراقب بود تا از ناظر مستقیم یا عامل ایثار و شهادت، گفته‌ها دریافت شود. اگر واسطه‌ها شنیده‌ها و دیده‌های خویش را بیان سازند، نباید ناظر یا عامل اصلی محسوب شوند. خلوص صحت گفته‌های واسطه‌ها، اگرچه خود صادق باشند، محل تردید و تشکیک است، مگر اینکه واسطه‌ها خود صدا یا دست‌خط یا نوشته‌ی ناظر و عامل را ارائه کنند.

۵- دسترسی به بیگانگان ناظر یا عامل ایثار و شهادت صحنه‌های تاریخ انقلاب اسلامی از سال ۴۲ تاکنون یکی دیگر از محدودیت‌ها یا تهدیدهای تاریخ شفاهی محسوب می‌شود. شناسایی و یافتن راویان بیگانه خود پروژه‌ای مستقل و مهم و پرداختن به آن نیازمند تدبیر ویژه و سازوکار جداگانه‌ای است. فارغ از میزان انگیزه‌ی راویان بیگانه برای بیان حقایق و ترسیم جلوه‌های ایثار و شهادت، اطلاع یافتن آنها بسیار بااهمیت است؛ چه بسا باشند افراد مشتاق گفتن که مراکز جمع‌آوری را نشناسند و ترتیبات سازمانی و جایگاه این‌گونه مؤسسات را ندانند و خلاصه ما در پی آنها و آنها در پی ما بیگانه از هم هرکدام ره به جایی بپیماییم. شاید اغلب و بلکه اکثریت قاطع راویان بیگانه‌ی تاریخ شفاهی ایثار و شهادت در مرز و محدوده ایران اسلامی نباشند و صدای بلندگو و منابر و مراکز ما را نشنوند و نبینند. بنابراین، باید با استفاده از ابزار و امکانات جدید اطلاع‌رسانی و مطبوعات بین‌المللی و تشکیلات سازمانی وزارت امور خارجه در سایر دولت‌ها، این ندای خواستن را به آنها برسانیم.

ثبت تاریخ شفاهی

راه عملی حفظ تاریخ شفاهی ضبط صدا و تصویر و راه عمومی‌تر آن نوشتن دانسته‌های آنهاست. به‌رغم پیشرفت دنیای الکترونیک و وسائل متعدد و متنوع ضبط و پخش صدا و تصویر، همچنان کتاب و نوشته‌ی کاغذی جایگاه خود را حفظ

کرده است.

قطع برق، اتمام شارژ باطری، دوری از شهر و مرکز، کمبود تجهیزات و نقص فنی، هر کدام تهدیدی است که ذوق خواننده را مخدوش می‌سازد و کتاب و دفتر و کاغذ همچنان معتبر و مطابق ذوق و طبع خواننده و در هر جا و مکان دور و نزدیکی قابل حمل و نگهداری و بهره‌برداری است. بنابراین، باید از همه‌ی امکانات و تکنولوژی‌های عصر حاضر برای ثبت و ضبط بهره‌جست، ولی نباید از کاغذ و کتاب غافل بود. کتاب و نوشته جایگاه ویژه‌ای در حفظ و ارائه‌ی تاریخ داشته و دارد.

پیشنهادها

۱- جمع‌آوری همه‌ی نوشته‌ها یا مصاحبه‌های مکتوب خارجی‌ها، از خاطرات حوادث ۴۲ تاکنون و در اوج آن دفاع مقدس.
۲- فراخوان گسترده در دنیا از راه‌های مختلف، به‌ویژه از طریق اینترنت برای دریافت و ثبت خاطرات خارجی‌های ناظر وقایع انقلاب اسلامی.

۳- ملاحظه‌ی نوشته‌ها و مصاحبه‌ها و استخراج جلوه‌های ایثار و شهادت از مجموع گفته‌ها و ثبت و ضبط و چاپ آنها.
۴- خبرنگاران خارجی جایگاه ویژه‌ای در تاریخ شفاهی دارند. این صنف عموماً برای بیان دیده‌ها خست ندارند و معمولاً با گشاده‌دستی دیده‌ها و شنیده‌های خود را بازگو می‌کنند. در این فراخوان عمومی باید جایگاه ویژه‌ای برای خبرنگاران قائل شد.

۵- خاطرات چاپ‌شده‌ی خبرنگاران خارجی قابل جمع و ترجمه و بهره‌برداری است. سرمایه‌گذاری در این راه ثمربخش و نتیجه‌مند است.

۶- پزشکان خارجی که احیاناً در صحنه‌های حادثه حضور داشته یا در بیمارستان‌های سایر کشورها معالج بیماران و مصدومان حوادث ایثار و شهادت بوده‌اند، شاهدان معتبرند. باید آنها را جست و برای بیان خاطرات خود تشویق و ترغیب کرد.

۷- با اسرای عراقی در ایران مصاحبه‌هایی انجام و خاطرات آنها تدوین و چاپ شده است، ولی در این کتاب‌ها ایثار و شهادت رزمندگان اسلام موضوع اصلی نیست؛ بنابراین، شایسته است از فرصت موجود استفاده کرد و دوباره با اسرای عراقی مصاحبه شود و درباره‌ی موضوع مورد بحث، نظریات آنها جمع‌آوری و چاپ شود.

۸- زندان‌بانان دیروز عراقی از اسرای ایرانی در بند، خاطرات ارزش‌مند آکنده از ایثار و شهادت در ذهن دارند که باید از اوضاع حاکمیت موجود در عراق بهره‌جست و گفته‌های آنها را ثبت و ضبط کرد.

۹- تجربه‌های گران‌قدر انقلاب در جمع‌آوری تاریخ شفاهی جلوه‌های ایثار و شهادت قابل توصیه و تأکید به مبارزان صالح در لبنان، عراق، بحرین، سوریه، افغانستان و هر جای دیگر عالم است؛ از آن غفلت نشود.

نتیجه‌گیری

آنچه گفته شد بر اهمیت تاریخ و لزوم جمع‌آوری تاریخ شفاهی جلوه‌های ایثار و شهادت در مقطع زمانی سال ۴۲ تاکنون

و ارائه‌ی پیشنهاد برای ثبت و ضبط و تدوین و چاپ و ارائه‌ی مستند فداکاری فداکاران و ایثار ایثارگران بود. ولی مقوله‌ی مهم‌تر، مرحله‌ی بهره‌مندی از این ذخایر ارزش‌مند و استفاده از این جلوه‌های زیباست تا نسل امروز و فردای ایران و جهان بدانند که چه گوهرهای گران‌بها و چه سرمایه‌های ذی‌قیمتی تاریخ را ساخته‌اند و عزت و شرف ایران بر چه پایه‌ای استوار گشته است.

البته خاطرات خام و پردازش‌نشده نیازمند آرایش و پیرایش و محتاج هنر هنرمندان است تا زیبا و فاخر عرضه شود. عرصه‌ی پردازش خاطرات خام ایثار و شهادت با جلب و جذب نویسندگان و داستان‌سرایان و رمان‌نویسان و تدوین‌کنندگان فیلم‌نامه به صورت خاص محقق شده و با ارائه‌ی خاطرات خام مستند به بازار فکر و اندیشه و هنر، زمینه‌ی عام جلب افکار فراهم می‌شود.

شایان ذکر است که داستان و داستان‌سرایی نتیجه‌ی بهره‌مندی از گوهر ایثار و شهادت تاریخ شفاهی است، ولی داستان و رمان از منابع تاریخ شفاهی محسوب نمی‌شود.